

جلسه ۱۸/۸/۱۴۰۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ﴾^۱

در بحث تفسیر موضوعات مختلفی از قرآن کریم به فضل الهی مطرح شد. و اخیراً مسئله سنت‌های الهی در قرآن کریم مورد صحبت قرار گرفت. سنت و روش ذات مقدس حضرت حق با بندگانش و انسان‌ها که برای عموم مطرح است و جریان دارد که به نام سنت نامیده می‌شود، سنن متعدده‌ای هست. سنت آزمایش صحبت شد. سنت امهال مهلت صحت شد. سنت تغییر و تغیر ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۲ صحبت شد. سنت امداد صحبت شد ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوَآءًا وَهُوَآءٌ﴾^۳.

سنت استدراج

آنچه امروز به عرضتان می‌رسد سنت استدراج است. که البته قریب المعنی با مسئله مهلت است، و در مصادیقی هم تداخل دارد. سنت مهلت را هم به تفصیل گفتیم. حالا سنت استدراج؛ تا ببینیم فرقی با سنت مهلت چیست.

شواهدی از قرآن برای سنت استدراج

آیاتی که در ارتباط با سنت استدراج مناسب است صحبت بشود. یک: سوره مبارکه اعراف ﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۴. دو: آیه شریفه سوره قلم ﴿قَدَرْنِي وَ مَنْ يَكْذِبْ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۵. سه: آیه سوره انعام ﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِهَا أُوتُوا أَخَذْنَا هُمْ بِغَتَّةٍ فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ﴾^۶.

محتوای این آیات روشن است. آیه اول که خواندیم، آن‌ها که تکذیب کردند آیات ما را، سنستدرجهم گرفتار استدراجشان می‌کنیم. اخذ می‌کنیم آن‌ها را به گونه استدراج. آیه دومی هم که قرائت شد، آن‌هایی که و من یکذب بهذا الحدیث به قرآن کریم اعتنائی ندارند و تکذیب می‌کنند قرآن را، این‌ها هم سنستدرجهم.

^۱ - سوره اسراء، آیه ۹.

^۲ - سوره رعد، آیه ۱۱.

^۳ - سوره اسراء، آیه ۲۰.

^۴ - سوره اعراف، آیه ۱۸۲.

^۵ - سوره قلم، آیه ۴۴.

^۶ - سوره انعام، آیه ۴۴.

آیه سوم از ماده استدراج چیزی نیست؛ ولی مطلب مطلب استدراجی است. که ﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ﴾ در آیات قبل آمده است که به صورت اخذ به باساء و ضراء که به خود آیند، ما تذکر می دهیم به امت هایی که در انحراف هستند؛ ولی وقتی که این ها این تذکر را پشت گوش انداختند و اعتنا نکردند و به فراموشی سپردند، ﴿فَتَحْنَاهُمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ﴾؛ نعمت به آن ها دادیم. نعمت پس از نعمت، ابواب هر نعمت و رحمت و قدرتی را برای آن ها می گشاییم؛ ﴿فَتَحْنَاهُمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ﴾ ولی باز هم به خود نمی آیند. حالا که ابواب کل شیء را برایشان باز می کنیم، تا آن جا که خیلی خشنود و خوشحال می شوند به این نعمت ها، ناگهان اخذشان می کنیم. یعنی استدراج. ﴿أَخَذْنَاهُمْ بَعْتَهُ فِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ﴾ در حسرت بسیار قرار می گیرند.

این آیه شریفه آخری که خواندم، دو جور معنا شده، در نوع تفاسیر هر دو احتمال را دادند. ﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ﴾ چون فراموش کردند تذکری که به ایشان داده شد به صورت ابتلاء و گرفتاری، و گرفتاری وسیله تنبھشان نشد، ﴿فَتَحْنَاهُمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ﴾ ما نعمت دادیم تا حالا که خودشان بدی را خواستند، سرگرم نعمت بشوند. سرگرم نعمت که شدند باز به غفلت ادامه بدهند. خیلی خوش و خشنود هستند. ناگهان اخذشان می کنیم. نعمتی بعد از نعمتی به آن ها می دهیم به عنوان این که به نعمت ها سرگرم بشوند؛ و بعد اخذشان می کنیم. این یک.

دو این که نه، ﴿فَتَحْنَاهُمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ﴾ نعمت به آن ها می دهیم، تا شاید با نعمت برگردند. اول باساء و ضراء گرفتارشان می کنیم، شاید متنبه بشوند، به خود بیایند؛ به خود نیامدند، نعمت به آن ها می دهیم که با نعمت و خوبی ها و نعم مختلف به خود بیایند، شکر کنند، متوجه منعم بشوند؛ باز هم متنبه نمی شوند. ﴿حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا﴾ خوشند به همان ها بدون این که متنبه شوند؛ اخذنا.

پس دو جور معنا شده است. یک این که این فتحنا ابواب کل شیء به عنوان استدراج باشد. حالا روشن تر می شود که به عرض می رسد نعمت بعد از نعمت داده می شود تا سرگرم بشوند؛ چون خودشان بدی را خواستند، با نعمت سرگرم بشوند؛ ناگهان گرفتار بشوند. یا این که خیر به دو گونه ما تذکر دادیم. یک: تذکر به باساء و ضراء دو: تذکر به نعم و نعمت های مختلف. باز هم به خود نیامدند، اخذشان کردیم معنای استدراج در لغت و در قرآن و حدیث

کلمه استدراج معنایش این است که به تدریج و کم به کم در جریان کاری قرار دادن. به تدریج کسی را در جریانی قرار دادن، می شود استدراج. بعضی از تفاسیر به این تعبیر گفتند. که در کنز این تعبیر آمده

است. تعبیر لطیفی است. «الاستدراج الاستصعاد او الاستنزال درجة بعد درجة»^۱ یعنی به تدریج بالا بردن، یا به تدریج پایین آوردن. کم به کم در جهت بالا بردن، یا کم در جهت پایین آوردن می‌شود استدراج.

اصل خود معنی لغوی آن اعم است از این که در جهت خیر حرکت کند کم به کم، یا در جهت انحطاط. هر دو می‌شود استدراج.

ولی آنچه که در اصطلاح قرآن و احادیث مطرح است، همان در جهت گرفتاری و در جهت بدبختی به تدریج در جریان قرار دادن است. یعنی مصطلح قرآن و حدیث و به تعبیر بهتر، مستعمل در قرآن و حدیث در این مورد است به قرائن مختلفه‌ای که در کار است.

پس معنای استدراج شد «الاستدراج الاستصعاد او الاستنزال درجة بعد درجة» کم به کم به طرف شیئی حرکت داده بشود، یا خوبی و یا انحطاط و بدی.

با توجه به این که معنا این است، در بعضی از آیات دیگر هم به این صورت هست، استدراج به معنایی که گفتیم که در جهت استنزال هست، که گفتیم در قرآن استعمالش در این مورد هست؛ معمولاً به صورت تجدید نعم است. یعنی نعمتی بعد از نعمتی تجدید می‌شود، سرگرم آن نعمت‌ها می‌شوند. و خودش چون بدی را خواسته است، به صورت نعمت خداوند متعال سرگرم می‌کند، به خود نمی‌آید؛ ناگهان گرفتار می‌شود. و لذا در آیه دیگری در سوره اعراف این چنین آمده ﴿ثُمَّ بَدَلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحُسْنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا﴾^۲ یعنی این‌ها وقتی به خود نیامدند، ما با باسء و ضراء تذکر دادیم، متذکر نشدند. بعد به جای آن سیئه و بدی‌هایی که بوده، حسنات برای آن‌ها تقدیر می‌کنیم، نعمت آن‌ها را می‌رسانیم. باز با نعمت هم این‌ها به خود نمی‌آیند؛ آن وقت برنامه خودمان را اجراء می‌کنیم. که در این آیه این چنین آمده ﴿ثُمَّ بَدَلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحُسْنَةَ﴾ یعنی اول با باسء و ضراء تذکر دادیم، به خود نیامدند. حسنات خیرات خوبی‌ها نعمت‌ها دادیم، ﴿حَتَّىٰ عَفَوْا﴾ تا آن‌جا که نعمت‌هایشان فراوان شد. نعمت مالشان بسیار شد. و نعمت فرزندان‌شان و کسان‌شان بسیار شد. باز هم به خود نیامدند. آن وقت ما اخذشان کردیم. و به هر حال استدراج به نعمت گرفتن برای این که طرف به غفلت گرفتار شود، و ملتذ به آن نعمت‌ها و سرگرم، و چون خودش بدی را خواسته است در همان جهت بدی قرار گرفته باشد به این صورت که ادامه بدهد، و بالتیجه بعد گرفتار می‌شود ناگهان.

^۱ - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب ج ۵/۲۵۵ [سورة الأعراف (۷): الآيات ۱۷۵ الى ۱۸۲].....

^۲ - سورة اعراف ۹۵

فرق سنت استدرج با سنت مهلت

فرق سنت استدرج با سنت مهلت این است که در سنت مهلت صرفاً آنچه مطرح است، اصل مهلت دادن است که اخذ نمی‌شود. عمرش طولانی می‌شود. حالا چه این که نعمتی بعد از نعمتی به او داده بشود، یا صرفاً عمرش طولانی بشود.

ولی در استدرج قید است تجدید نعمت؛ دائماً نعمت پس از نعمت. که در روایات فراوان این مسئله مطرح است.

و این سنت استدرج هم که ممکن است به ذهنان به طور معمول چنین باشد که همان سنت مهلت است؛ بیشتر به نظر این بود که عرض کرده باشیم که سنت مهلت غیر از سنت استدرج است. تداخل می‌کند در مواردی با یکدیگر. اما سنت مهلت صرفاً همان امهالی است که اخذ نمی‌شود سریعاً به گناه و معصیتش. ولی در سنت استدرج به اضافه این که اخذ نمی‌شود، نعمت داده می‌شود... ثم اخذ می‌شود. این تفاوت را دارد. و لذا در احادیث هم به خصوص همین که دائماً نعمت داده می‌شود آمده است.

یک حدیث را برای شما عرض کنم این است «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَأَذْنَبَ ذَنْبًا أَتْبَعَهُ بِنِعْمَةٍ وَيَذَكَّرُهُ بِالْإِسْتِغْفَارِ» گرفتارش می‌کند، استغفار هم به یادش می‌اندازد تا استغفار کند و برگردد. «وَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ شَرًّا» باز به خاطر نیت خودش. هر دو مبدئش نیت خودش هست. خودش خواسته خیر را، یا خودش خواسته شر را. «وَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ شَرًّا فَأَذْنَبَ ذَنْبًا أَتْبَعَهُ بِنِعْمَةٍ» نعمت به او می‌دهد تا استغفار را فراموش کند، و استغفار نکند. گرفتار همان نعمت بشود به عنوان سرگرمی. «وَ يَمَّادِي هَهَا» کشش پیدا کند در همان نعمت‌ها سرگرم بشود. «وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ بِالنَّعْمِ عِنْدَ الْمُعَاصِي»^۱.

این مطلب در همه روایات مربوطه تکرار شده است.

بنابر این یک سنت هم از سنت‌های قرآنی، سنت استدرج شد. که با سنت مهلت هم فرقی داشت آن چنان که به عرض رسید. و لذا در نعمت‌ها افراد نباید که غفلت داشته باشند؛ که به استدرج گرفتار نشوند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

^۱ - الکافی (ط - الإسلامية) ج ۴۵۲/۲ باب الاستدرج